

**نویسنده:** جان وایت (John Wight).

**منبع و تاریخ نشر:** کونتر پانچ « 20-10-2016 ».

**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

## هیلا ری کلنتون و قتل وحشیانه ء قذافی

### Hillary Clinton and the Brutal Murder of Gaddafi

در تاریخ بیست اکتوبر سال «2011» **معمر القذافی** در لیبی به طرز وحشیانه ء توسط مشتی از شورشیان ارزال و او باش با حمایت و همدستی **نا تو پس** از اولین ضرب و شتم و نقض همه اصول و قوانین پذیرفته شده حقوق بشر به قتل رسید. تاریخ هرگز جای شک و شبهه را نه تنها به ارتباط قتل رهبر لیبی در این روز باقی خواهد گذاشت بلکه از هم پاشیده شدن و یخاک یکسان شدن لیبی را نیز فراموش نخواهد کرد.

عمله و دست اندرکاران تغییر رژیم در لیبی را اکثر قدرتمندان و اتباع از حکومت های مسلط غربی تشکیل میداد که شهرت و آسمای آنها توام با آنها ماتی که بر آنها از هنگام وقوع رخداد «9/11» وارد شده یعنی آنها ماتی که آنها باعث ویرانی و بدبختی بشر در مقیاس بزرگ با عزم دوباره شکل دادن هدف خود و تغییر جهان گردیده اند عملی که هرگز به اراده خودشان صورت نگرفته بلکه برای آنها از بالا دیکته شده است در یک لست مطول ثبت و درج گردیده است. بدبختی ها و ویرانی های همچنانیکه همین اکنون افغانستان، عراق، لیبی و سوریه در یک درگیری بی رحم برای بقای خویش بعنوان یک دولت غیر فرقه ای سکولار دست و پنجه نرم میکند به مقابل آن ویرانگریهای و بدبختی های بمیراث رسیده از سوی ملتی که از دموکراسی و به زبان دموکراسی صحبت مینماید حالانکه در واقعیت امر تمرین سیاست سلطه جویی و تابعیت را انجام میدهد.

پس در اینصورت لازم پنداشته میشود تا به یاد از قربانیانی که توسط امپریالیسم غرب جانهای شربین خود را از دست دادند با یک استدلال قوی و بُران توام با تخریب و ویرانی های که لیبی را به مشت خاک مبدل ساختند به منزله یک جرم و جنایت بویژه شدید آماج گیری گیرند و با تلاش همه جانبه بکوشند تا چهره های زشت این جنایت پیشه گان را به جهان نیا ن بر ملا سازند. بهر صورت آنچه که به ارتباط لیبی مهم و درخور اهمیت پنداشته میشود اینست که اداره انکشافی برنامهریزی سازمان ملل متحد دستاوردهای چشمگیر انقلاب لیبی را یکسال بعد از سال (2010) چنین ارایه میدارد و آن اینکه لیبی در شرق میانه و در شمال افریقا یگانه کشوری فوق العاده پیشرفته و در مقام شاخصی قرار داشت که شاخص های مربوط به این کشور را چنین افاده مینماید نرخ و میزان باسوادی (88،4) درصد، توقع حیات (74،5) سال، برابری جنسی و باقی

همه شاخص‌های دیگر مربوط به این کشور را علی و مثبت و قناعت بخش گذارش میدهد افزون بر آن رقم رشد اقتصاد لیبی در سال (2010) ، «2،4» فیصد و دارای های خارجی لیبی در حدود مبلغ (150) میلیارد دلار بود .

جنرال **دوید رودریگوز (General Rodriguez)** به کمیته نیروهای مسلح سنایی آمریکا به ارتباط مقایسه ارقام ثبت شده سال (2016) لیبی گذارشی را پیشکش نمود و چنین افاده نمود که این کشور اکنون از پا در افتاده و شکست خورده است و با تخمینی که آن جنرال به ارتباط لیبی ارایه نمود گفت که حداقل ده سال دیگر ضرورت دیده میشود تا اگر این کشور در هم و برهم شده دوباره به ثبات و رشد قبلی خود نایل آید و شکست و ریخت های ناشی از جنگ را دوباره ترمیم و بازسازی نماید .

در حال حاضر هیچ یک دولت توانا و قدرتمند و حاکم در لیبی وجود ندارد که بالای تمام قلمرو لیبی تسلط داشته باشد و یا حکم راند بلکه در عوض سه مقام بلند بالای ملوک الطوایفی در رقابت و همچشمی با یکدیگر بر لیبی حکم میرانند از جمله حکومتی که از سوی نهاد های بین المللی به رسمیت شناخته شده است همانا دولت بنام **پیمان ملی (The government of National Accord "GNC")** میباشد که ریاست این دولت را **فیاض آل سراج (Feyaz al Sarraj)** بعهده دارد که مقرر این دولت در تریفولی (Tripoli) میباشد؛ دولت دیگری بنام دولت نجات ملی (National Salvation) در تحت زعامت خلیفه گیوال (**Khalifa Ghwell**) رهبری میشود که مرکز و مقر این دولت نیز در طرابلس (Tripoli) میباشد اما دولت سومی یا مرکز سوم قدرت در قسمت شرقی کشور واقع در تو بروک (**Tobruk**) در تحت زعامت جنرال ضد اسلامی **خلیفه هفتر (Khalifa Hafter)** رهبری میشود که اردوی ملی لیبی (**Lbyan National Army**) نیز در تحت نظر همین جنرال قرار دارد میباشد. باید اذعان کرد که لیبی از نظر اقتصادی و از نظر درآمد های نفتی خود در زمان زمامداری قذافی رقم (90) درصد را داشت که این درآمدها به دولت متعلق بود اما اکنون در اثر گسترش خشونت ها و شکست و ریخت های ناشی از جنگ این درآمد به نصف و یا نیمه زمان قذافی رسیده است و مطلب قابل تذکر دیگر اینکه از سال (2011) به اینطرف داعشی ها توانسته اند که در لیبی برای خود جای پای بدست آورند گرچه که این سازمان تروریستی (داعش) در ماه های اخیر تحت فشار شدید در مقر و مرکز خود توسط سرت ها (**Sirte**) مربوط نیروهای به نمایندگی از دولت پیمان ملی قرار گرفته بودند ولی با آنهم اکنون داعشی ها در لیبی وجود دارند .

بعد از سرنگونی معمر القذافی تاثیرات ناگوار از هرج و مرج و قتل و کشتار مردم بی گناه و باشندگان کشور مجبور به ترک میهن شان شدند و بسیاری از پناهندگان با قبول خطرات جانی در تلاش آن شدند تا از راه دریای مدیترانه خود را به اروپا رسانند و درخواست

پناهندگی بدهند تا اگر بتوانند خود را از این بدبختی نجات دهند افزون بر آن میتوان اذعان کرد که مردم لیبی با هزار گونه بدبختی های ناگفته ای دیگر نیز روبرو هستند که شیرازه زندگی شان را از هم پاشیده است .

شورای امنیت سازمان ملل متحد بتاريخ یازدهم مارچ «2011» قطعنامه شماره (1973) مبنی بر ایجاد منطقه پرواز ممنوع برافراز لیبی خود را درپایان بهار عربی و آغاز زمستان عربی به تصویب رسانید و درکنار آن تظاهرات توده بی مانندی که منجر به سرنگونی دیکتاتور تونس بن علی و همتای مصری او آقای حسن مبارک در مصر گردید این رویداد در لیبی بوقوع نیبوست یعنی تظاهرات بخاطر سرنگونی قذافی در لیبی صورت نگرفت - با وجودیکه دربنغازی جنبش ضد قذافی متمرکز شده بود اسلامگرایان پیشنهاد و برآورده که برصفوف و پیروان خود مسلط بودند نتوانستند مردم را به دنبال خود درضدیت با معمرالقذافی بکشانند چونکه مردم لیبی از وضع زندگی واز انکشاف و پیشرفت کشور شان با داشتن ستاندارد بلند زندگی در منطقه راضی بودند واز اینرو هرگز نمیخواستند که همچو زندگی آرام خود را از دست بدهند و اقدام به سرنگونی زعيم کشور خود بنمایند - لذا نیروهای وفادار به معمر القذافی که در مخالفت با اسلامگرایان شورشی درمجادله و مقابل قرار داشتند این نیروها توسط ناتو و عمال ناتو مواجهه به شکست شدند ولی نه بواسطه نیروهای مخالف که از بنغازی برای آغاز شورش آورده شده بودند واقیعت چنین است که نیروهای مسلح دولتی هنگامیکه نزدیک به حومه بنغازی برای از بین بردن و سرکوب شورشیان شدند ناتو به بهانه ای محافظت از غیرنظامیان با یک دروغ محض مداخله می نماید و نیروهای مسلح دولتی را تارومار میسازد اما زمانیکه حقیقت برملا شود هدف از مداخله ناتو تغییر رژیم در لیبی بود که از طرف حامی پروپاقرص او دیکته شده بود .

جرم جنایت قذافی در دید و بصیرت غرب طوری نبود که او را یک دیکتاتور خودکامه و کاملاً عیار ببینند و یا مشاهده نمایند چونکه او در منطقه یک متحد بسیار نزدیک به عربستان سعودی بود اما جرم و جنایت قذافی در دید غرب در سلسله از ایمل های محرم طبقه بندی شده ای هیلاری کلنتون جا سازی شده بود که مضمون و محتوی این ایمل های سری و مخفی هیلاری در تضاد به قذافی و تغییر رژیم در لیبی توسط ویکی لیکس در جنوری همین سال افشا گردید - ازاینکه چرا باید قذافی سرنگون گردد و چرا در لیبی رژیم تغییر نماید ؟ موضوع از اینقرار بود که قذافی میخواست و یا بهتر است که گفته شود که قذافی تمایل داشت که در رقابت به ارز دالر و یورو یک ارز طلا را در دادوستد بعنوان یک ارز ذخیره بین المللی در افریقا مروج سازد بناً با در نظر داشت این اصل ریس جمهور فرانسه آقای نیکولای سرکوزی (Nicolas Sarkozy) و سپس وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا هیلاری کلنتون بحیث بازیگران اصلی و کلیدی تلاش

نمودند که **ناتورا** به مداخله در لیبی بکشانند اما عامل دیگری که در سرنگونی **قذافی** نقش داشت **نفت لیبی** بود .

محتوی و مضمون ایمل های طبقه بندی شده هیلاری فراتر از هر شک و شبهه ثابت میکند که جرم و جنایتی را که غربی ها در لیبی مرتکب شدند میتوان که به عاملین این جرم و جنایت اسم بربرها را گذاشت که باید به آنها محاسبه صورت گیرد حالانکه آقای **سارکوزی** اکنون در مداخله آماده شدن به بازگشت سیاسی تلاش بخرج میدهد تا با ردوم به کرسی ریاست جمهوری فرانسه برسد و هیلاری **کلنتون** با علاقمندی خاص بخاطر احراز مقام ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا و رسیدن به کاخ سفید در برابر نامزد جمهوریخواهان آقای **دونالد ترومپ** در مسابقه و مبارزه انتخاباتی مصروف و مشغول است .

از این دو ( **سارکوزی و هیلاری** ) **هیلاری کلنتون** با شنیدن قتل **معمراقذافی** در سال (2011) با کف زدن های ممتد و با دهن پر از خنده فحقه اظهار خوشی و شادمانی مینماید آن **هیلاری** که بخاطر تخریب و ویرانی لیبی مداخله نظامی **ناتورا** سروسان داد چنانچه از فعالیتها و سازماندهی و تلاشهای او مبنی بر تغییر رژیم در لیبی فلمبرداری شده است و یا آن **هیلاری کلنتونی** که خوش دارد و یا مورد علاقه اش است که در مسابقه انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا به مقابل نامزد جمهوریخواهان آقای **دونالد ترومپ** موفق گردد و به کرسی ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا در دفتر بیضوی قصر سفید ایالات متحده امریکا تکیه زند و زمام امور را بدست گیرد .

----- **با تقدیم سلامها 2016-10-25**